

مهمانی بر سر سفره خونین حکومت اسلامی؟!!

اخیرا محمود احمدی نژاد، رییس جمهور تروریست و تیرخلاف زن حکومت اسلامی، سفره خونین خود را برای تعدادی از دلایان سیاسی و اقتصادی خارج کشور در تهران پهن کرد. این دلایان سیاسی و اقتصادی، پارلمان ها، شرکت ها و دولت های غربی، به دعوت دولت سیاسی-نظامی احمدی نژاد وارد تهران شدند و پای صحبت های او، رحیم مشاعی، منوچهر متقی وزیر امور خارجه و غیره نشستند. «متخصصانی و تحصیل کردگانی» که کمترین اهمیتی به حرمت و موجودیت انسانی ندادند در واقع تمام هم و غم شان پول و جاه و جلال و مقام است.

حکومتی که سی و یک سال است آدم می کشد و به غارت و چپاول اموال عمومی جامعه ایران مشغول است و هیچ شهروندی از تعرض جانین حکومتی و سربازان غیبی امام زمان آن در امان نیست، هر کسی و جریانی به این حکومت نزدیک شود، رسوای زمین و زمان می شود. حکومتی که در اعتراضات سال 88، حتا وزرا و روزنامه نگاران و تنوریسن ها و ریاست جمهوری ها و کادرهای قدیمی و اصلی خود را قربانی کرد و هم چنان برای آن ها پرونده سازی و توطئه چینی می کند نباید کمترین شکی داشت که به مخالفین خود رحم کند. بنابراین، حکومت اسلامی، حکومت جهل و جنایت، ترور و وحشت، شکنجه و اعدام، تجاوز و سنگسار، دزد و دروغگو است. آیا کسی که کمترین بویی از انسانیت برده باشد واقعا می تواند دور سفره چنین حکومتی بنشیند. حکومتی که دستش به خون ده هزار انسان بی گناه از کودک و بزرگ، زن و مرد آغشته است؟!!

این اقدام سیاسی - تبلیغی دولت احمدی نژاد، تحت عنوان دومین همایش بزرگ ایرانیان خارج کشور در روزهای 11 و 12 مرداد 1389 در سالن اجلاس سران تهران، برگزار شد. بنا به گفته مسئولین و مقامات دولتی و رسانه های آن، به این همایش، 400 نفر از مهاجران ایرانی مقیم آمریکا، 190 نفر از کشور انگلیس، 97 نفر از آلمان، 49 نفر از کانادا، 28 نفر از فرانسه، 15 نفر از سوئد، 12 نفر از دانمارک، 11 نفر از مالزی و 10 نفر از استرالیا دعوت شده بودند. این که چه تعداد این دعوت را پذیرفتند و در آن شرکت کردند آمارهای مختلفی منتشر شده است.

هر کدام از دعوتی ها، مجاز بودند چهار نفر از خانواده و آشنایان و دوستان خود را به این همایش ببرند. کل هزینه سفر به ایران و شهرهای مختلف کشور توسط دولت، یعنی از جیب مردم پرداخت شده است. دعوت شدگانی که همگی از طبقات بالا و ثروت مند ایرانیان خارج کشور بودند.

افتتاحیه همایش با قرائت آیاتی از قرآن مجید و نواخته شدن سرود جمهوری اسلامی ایران آغاز شد که تصاویر نشان می دهد همه شرکت کنندگان به پا خواسته اند. افتتاحیه های رسمی توسط ریاست جمهور عبارت بودند از:

- افتتاح صندوق سرمایه گذاری ارزی ایرانیان خارج از کشور
- افتتاح مرکز شبانه روزی رسیدگی به امور ایرانیان خارج از کشور
- افتتاح شبکه مجازی متخصصان ایرانی خارج از کشور
- افتتاح بانک اطلاعاتی ایرانیان خارج از کشور
- رونمایی از تمبر یادبود همایش
- شاهنامه خوانی

پس از برگزاری همایش، طبق برنامه ریزی استانداری های سراسر کشور، میهمانان همایش به میزبانی استانداری ها به استان مورد علاقه خود سفر کردند. در این سفرها، تورهای بازدید از اماکن زیارتی، فرهنگی و جاذبه های گردشگری و هم چنین دانشگاه ها، مراکز علمی، پژوهشی، فرهنگی و صنعتی استان در نظر گرفته شده بود.

در آغاز این همایش، منوچهر متکی وزیر امور خارجه، مهمان پرست سخن گوی وزارت امور خارجه، قشقاوی معاون کنسولی و برخی دیگر از مسئولان وزارت امور خارجه و محمد شریف ملک زاده دبیر شورای عالی امور ایرانیان خارج کشور حضور داشتند. پیام علی خامنه ای، رهبر حکومت اسلامی به حاضران نیز از طریق ویدئو پخش گردید.

به گزارش ایرنا، در ابتدای این مراسم ویدئو کلیپی از فرمایشات رهبر انقلاب اسلامی در ابتدای سال جاری و تریک ایشان به تمام ایرانیان از جمله ایرانیانی که در اقصی نقاط جهان زندگی می کنند و اظهارات رییس جمهوری در مورد وظیفه دولت در صیانت از حقوق همه ایرانیان در سراسر دنیا پخش شد.

سپس گروه هم خوانی علیرضا عصار همراه با 10 دختر جوان اقدام به آواز خوانی کردند که دختران و پسران نیز دف می زدند.

سرانجام احمدی نژاد، در سخن رانی افتتاحیه این همایش، دروغ ها و یاهه گویی های همیشگی خود را تکرار کرد و گفت: «آماده ام در نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد به صورت رو در رو، کاملاً آزاد و با حضور رسانه ها با رئیس جمهور آمریکا گفتگو کنم.» بنابراین، اولین هدف احمدی نژاد، از برگزاری چنین همایشی، فعال کردن دلال های سیاسی و اقتصادی و غیره که از کشورهای مختلف در این نمایش شرکت داشتند میانجیگری بین دولت ها، به ویژه گفتگو با «شیطان بزرگ» است.

احمدی نژاد در این همایش با طرح سناریوهای جعلی خود، ادعا کرد: «نگرانی آن ها از ملت ایران به خاطر نحوه مدیریت جهانی است» او، گفت: «بدون تردید مشکل قدرت های سلطه گر با ملت ایران، آزادی، دموکراسی، حقوق بشر و حتا بمب هسته ای نیست. نگرانی آن ها از ملت ایران به خاطر نحوه مدیریت جهانی است، چرا که تاریخ نشان داده ملت ایران از چنان ظرفیتی برخوردار شده است که اگر فرصتی پیدا کند جریان فرهنگی و تمدنی گسترده ای را به راه انداخته و آن را به سرعت در همه جهان فراگیر خواهد کرد.»

رییس جمهوری که نه تنها در ایران، بلکه در جهان نیز منفورترین و جانی ترین چهره محسوب می شود و اکثریت مردم ایران را به لحاظ اقتصادی به خاک سیاه نشانده و صدها هزار انسان را زندانی و شکنجه و هزاران تن را نیز اعدام کرده است ادعای اداره جهان را دارد؟! به قول معروف فردی را به دهی راه نمی دهند اما ادعای کدخدایی داشت.

چاپلوسی در این نمایش نیز به شکل چندش آوری به اوج خود رسیده بود. به محض آن که احمدی نژاد در صندلی نشست یکی از حاضران در مقابل وی ایستاد و پس از ادای احترام به صورت نظامی در مقابل رییس جمهور زانو زد و کتابی به وی اهداء کرد.

ریچارد فرای، طی سخنانی اظهار داشت: «سال هاست که خود را یک ایرانی می پندارم و آرزو من این است که مرگ مرا در کنار زاینده رود اصفهان، نصف جهان قرار دهد و به دینوسیله از رییس جمهور ایران می خواهم که این تقاضای مرا بپذیرد. در پاسخ، احمدی نژاد هم خطاب به او گفت: «ما به جای آن یک باب منزل مسکونی در اصفهان به شما می دهیم که تا هر وقت بخواهید در آن جا زندگی کنید. از «ریچارد فرای» به عنوان استاد ایران شناس آمریکایی نام برده شده است.

جرج گل ووی که در این همایش از او، به عنوان رهبر جنبش ضدجنگ نام برده شده است از طرفداران پر و پا قرص احمدی نژاد است، سخنانش را با ذکر بسم الله الرحمن الرحیم آغاز کرد که این مساله با استقبال حاضران روبرو شد. وی به زبان انگلیسی حاضران در این نشست را «خواهران و برادران» خطاب کرد و به زبان فارسی به آنان گفت: «سلام علیکم».

زمانی که احمدی نژاد، در سخن رانی خود نام «صندوق ارزی ایرانیان مقیم خارج از کشور» را می برد، با پیشنهاد یکی از حاضرین و با تایید رییس جمهور نام این صندوق به «صندوق ارزی ایرانیان مقیم خارج از کشور مهر امام رضا» تغییر یافت.

احمدی نژاد، نخستین حساب این صندوق را به نام «ملیکا خانم» زد؛ این دختر خانم 5 ساله در واقع در حضور رییس جمهور دست نوشته ای را که مضمون آن تشکر از رییس جمهور به خاطر راه اندازی صندوق ارزی ایرانیان مقیم خارج از کشور بود، به زبان فارسی و انگلیسی قرائت کرد. احمدی نژاد در جریان سخن رانی خود به این دختر بچه اشاره کرد و گفت: «اولین حساب این صندوق با موجودی 2 هزار دلار به نام ملیکا خان، این دختر خانم کوچک ثبت شد.»

برگزاری این همایش که اولین پیام احمدی نژاد در آن، از آمادگی خود برای مذاکره با اوباما خبر داد، میلیاردها تومان هزینه در برداشته است. صدا و سیما در بخش خبری ساعت 14 خود، سخنان محمود احمدی نژاد در این همایش را «به دلیل مشکلات فنی» پخش نکرد. او، هم چنین از طرح «صهیونیست های احمق» برای ترورش خبر داده و گفته بود: «صهیونیست های احمق آدم اجیر کرده اند که مرا ترور کنند، این همه از ملت ایران ترور کردید چه شد؟ تک تک ایرانی ها یک رستم، سیاوش و یک رزمنده دلاور هستند.» معلوم نیست که کی و کجا این طرح ترور کشف و خنثی شده است. احمدی نژاد پس از بازگشت از سفر به ایتالیا و عراق نیز از طرح ترور خود سخن رانده بود و یا امام زمان در سفر او به آمریکا و سخن رانی اش در سازمان ملل و دانشگاهی به داد او رسیده بود.

هنگامی که اسفندیار رحیم مشایی رییس دفتر رییس جمهور در جریان سخن رانی 53 دقیقه ای خود گفت: «دشمنان اگر به هر طرف بروند چه غرب و چه شرق، ایران را می بینند و آنان هیچ غلطی نمی توانند بکنند؛ فردی از میان حضار درخواست و گفت: «قراردادی هشت و نیم میلیون یورویی را به خاطر توهینی کوچکی که به رییس جمهور شد، لغو کردم.»

سخنان این فرد که احتمالاً سخن ران پیش بینی نشده این همایش بود، شاید احساسات متخصصان پولدار این همایش بیش از پیش را برانگیخت. این فرد که خود را خلبان و مربی هوانوردی معرفی کرد، با صدای بلند فریاد زد و گفت: «موضوع مهمی هست که باید به رییس جمهور محبوب و رهبری بگویم...» اسفندیار رحیم مشایی که در عین حال «جانشین رییس جمهور در امور ایرانیان خارج از کشور» نیز هست در این همایش که خود بانی برگزاری آن بود، سخن رانی کرد. او هم چون سخن رانی های قبلی اش از «فرزندان کوروش کبیر»، «فردوسی بزرگ و شاهنامه» و «تغییراتی در مورد آینده جهان به پیشقراولی ایرانیان» سخن گفت. سخنانی که بنا به نوشته خبرگزاری فارس، «با تعجب برخی از مدعوین» مواجه شد.

سخنان او درباره تحریک احساسات گرایش ایرانیان ناسیونالیست و اسلامی نیز جالب است: «در ایران همیشه خدا تکریم شده است و همیشه خدا بزرگ بوده است، چرا چون ایران از خدا به بزرگی یاد میشده است... ایران همیشه پایه گذار تمدن بشری بوده است، بشر خود را در خاک و پاک ایران شناخته است. این که این چه خاکی است و چه جوهری است که در چه انسان هایی در تاریخ پرورانده است خود سئوالی است... آن زمان که کوروش بابل را فتح می کرد در منشورش لغو برده داری در بابل را اعلام کرد و البته ایرانیان بیش از آن نیز با برده داری مخالف بودند... اسناد بسیاری نشان می دهد که مردم عرب حتا برای شکوفایی زبان خودشان هم به ایرانیان بدهکارند. اگر ایرانیان نبودند، امروز بیتربید اسلام در میان خروارها توهم ناشی از ناسیونالیسم عربی مدفون بود.»

این همایش دومین همایش ایرانیان مقیم خارج از کشور است که از سال 84 تاکنون برگزار شده است. برگزاری این همایش ها پس از به قدرت رسیدن احمدی نژاد راه افتاده و به نوشته مطبوعات رسمی هزینه های کلانی نیز برای برگزاری آن می شود.

رحیم مشایی، از تاسیس صندوق سرمایه گذاری ایرانیان خارج از کشور هم زمان با آغاز به کار همایش ایرانیان خارج از کشور خبر داد و گفت: «سرمایه گذاری در این صندوق عمدتاً ارزی خواهد بود و هم اکنون 17 شرکت و نهاد خصوصی با اعتباری بالغ بر 25 میلیون یورو در آن سرمایه گذاری پایه ای را انجام داده اند.» بنابراین، دومین هدف حکومت اسلامی از برگزاری این همایش، جذب سرمایه های ایرانیان خارج کشور است.

روز سه شنبه، در دومین روز این همایش، برخی از روزنامه های اصولگرا، در انتقاد از مراسم افتتاحیه این همایش مطالبی نوشتند. این روزنامه ها از جمله به دف نوازی دختران در گروه موسیقی علیرضا اعصار اشاره کردند و هم چنین این که حجت الاسلام رازینی، معاون حقوقی و توسعه حقوق قضایی و نیز حجت الاسلام گرکانی، رییس دیوان عالی کشور، این مراسم را به نشانه اعتراض ترک کرده اند. روزنامه کیهان یک روز قبل از برگزاری همایش، با اشاره به هتل محل اقامت هوشنگ امیراحمدی، از او به عنوان یکی از نمونه های نامناسب دعوت شدگان نام برد و نوشت رسانه های خارج از کشور نیز به هوشنگ امیراحمدی، به عنوان کسی که در ارتباط خاص با دولت ایران، به ویژه شخص احمدی نژاد قرار دارد و به این مراسم دعوت شده است اشاره کردند.

اما امیراحمدی از تهران در گفتگویی با رادیو فردا، ادعا کرد :
«اول این که من در این همایش شرکت نکرده ام. اصلاً؛ حتا یک تانیه هم. دوم این که من با پول خودم آمده ام و اقامت در هتل استقلال که به طور تصادفی هتل این همایش است، هیچ ربطی به همایش ندارد. من همیشه وقتی به ایران می آیم، در هتل استقلال اقامت می کنم.
الان هم در استقلال هستم و با همسر و دخترم این جا بودم. آن دو تا امروز هم این جا بودند، اما امروز بازگشتند و من نیز تا سه روز دیگر باز می گردم. بنابراین، پول هتل و رفت و آمد من را به هیچ وجه دولت و همایش پرداخت نکرده است. همه این هزینه ها را خودم پرداخت می کنم.
رادیو فردا سؤال می کند: «آقای امیراحمدی، امروز در مطلبی در سایت تابناک، به حضور شما و دخترتان در همایش قبلی اشاره شده بود و این که ایشان قرارداد کلان اقتصادی ای در کیش منعقد کرده است.»

دختر من فقط ۱۸ سال سن دارد. من همین یک دختر را دارم که سال اول دانشگاه است و چند بار بیش تر به ایران نیامده است. زبان فارسی را هم به زور حرف می زند، چه برسد به این که بخواهد قرارداد ببندد. او اصلاً نمی داند قرارداد چیست و یا اساساً کیش کجاست و در کل وارد به این ماجراها نیست. او در آمریکا به دنیا آمده و همان جا هم بزرگ شده است.
من حدود یک ماه و نیم پیش، تکذیبی ای در این رابطه به مطبوعات فرستادم و در نشریات زیادی هم چاپ شد. در نتیجه این خبر تکذیب شد و تف سربالایی بود متأسفانه از سوی کسانی در داخل و خارج که با جریان رابطه با آمریکا که من در آن قرار دارم، دشمنی می کنند و به روی خودشان برگشت.»

این مساله به یک کشمکش جدید بین جناح اصول گرایان حکومت منجر شد. تکذیب های رحیم مشاعی از یک سو و امیراحمدی از سوی دیگر، رسوایی بزرگی برای طرفین به بار آورد.
روزنامه کیهان که زیر نظر رهبر فعالیت می کند و به ارگان چماقداران و سانسورچیان و آدم کشان حکومتی و شبه نظامیان معروف است در شماره روز سه شنبه ۱۲ مرداد خود، از «هزینه های چند ده میلیارد تومانی و بی حساب و کتاب» این همایش سخن گفته بود. اما بیش ترین حاشیه ها و اعتراض ها به نحوه برگزاری مراسم، ترکیب میهمانان، و در مورد سودمندی سیاسی این همایش برای احمدی نژاد و رحیم مشاعی مربوط می شود. هم چنین شدیدترین انتقادات از سوی نزدیکان محمود احمدی نژاد و کسانی مطرح می شود که در میان حامیان سرسخت او قرار دارند.
حسین شریعتمداری، مدیر مسئول کیهان، در یادداشت روز خود نوشت: «اگرچه نام و هویت بسیاری از دعوت شدگان به این همایش اعلام نشده است ولی کیهان از طریق افراد مومن و متعهدی که در جمع برگزارکنندگان همایش حضور دارند به نام و مشخصات برخی از آن ها که هویتی کم و بیش مشابه هوشنگ امیراحمدی دارند، پی برده است.»

در پی تکذیب دعوت رسمی از هوشنگ امیراحمدی، توسط رحیم مشاعی رییس دفتر احمدی نژاد، کیهان دعوت نامه دولت احمدی نژاد برای وی را منتشر کرد.

کیهان شریعتمداری، نوشت در پی یادداشت روز دوشنبه کیهان-89/5/11- با عنوان «آن جا چه خبر است؟!» که در آن ضمن تاکید بر ضرورت گردهمایی ایرانیان مقیم خارج از کشور، نسبت به هویت برخی از دعوت شدگان، سوابق سوء چند تن از دست اندرکاران برپایی همایش و نمونه هایی از تناقض این همایش با ارزش های اسلامی و انقلابی و منافع ملی انتقاد شده بود، افراد بدسابقه ای که از قضا حضور خود آن ها در میان دست اندرکاران همایش یاد شده مورد اعتراض بود و در مقابل مستندات مطرح شده در یادداشت کیهان پاسخی نداشتند و از سوی دیگر طی چند روز اخیر با اعتراض گسترده ای روبرو شده بودند، به گونه ای ناشیانه دست به فرافکنی زده و به زعم خود کوشیده اند مستندات ارائه شده از سوی کیهان را که اثبات کننده خط انحرافی آنان است، تحت الشعاع قرار دهند.

روزنامه دولتی حکومت اسلامی ایران، از قول اسفندیار رحیم مشاعی، نوشته بود: «حضور امیراحمدی ربطی به نهاد ریاست جمهوری ندارد!»

اما روزنامه کیهان نوشت، «متن دعوت نامه را برای ارزیابی میزان صداقت و راستگویی آقایان به دست چاپ می سپاریم.»

مشاعی، از جمله گفته بود کسانی که امیراحمدی را دعوت کرده اند قصد دارند علیه احمدی نژاد جنگ روانی راه بیندازند.

آتی نیوز نیز نوشت، جانشین رییس جمهور در شورایی عالی امور ایرانیان خارج از کشور و رییس دفتر رییس جمهوری دعوت شدن هوشنگ امیراحمدی به همایش ایرانیان مقیم خارج را تکذیب کرد. این در حالی است که روز گذشته هنگامی که میهمانان با اتوبوس از هتل استقلال به محل همایش ایرانیان خارج از کشور منتقل می شدند، وی از سوی میزبانان به سمت یک خودروی زانتیای مشکی هدایت شده است. هم چنین به وی گفته شده که به دلیل حساسیت های موجود در خصوص امیراحمدی بهتر است در مناظر عمومی و همایش حضور پیدا نکند، با این وجود لحظاتی در همایش حضور یافت.

هوشنگ امیراحمدی که موسس انجمن ارتباط آمریکاییان و ایرانیان است دو سال پیش گفته بود که از احمدی نژاد خوشش می آید و قصد دارد به وی کمک کند. او، در گفتگویی خصوصی خود با رییس جمهور در سال 87، به احمدی نژاد گفته بود که آمریکا تحت تاثیر بازی سیاسی انگلیسی ها نسبت به ایران بدبین است و باید طول موج بدبینی آمریکایی ها را از بین برد.

در چنین شرایطی، دایره انتقادات به این همایش، از جمله در میان نمایندگان مجلس شورای اسلامی نیز گسترده تر شد. داریوش قنبری، سخن گوی فراکسیون اقلیت مجلس، در گفتگویی خود با خبرگزاری کار ایران (ایلنا)، به انتقاد از این همایش پرداخت و گفت: «در شرایط کنونی، احمدی نژاد به جای آن که دغدغه جذب ایرانیان خارج از کشور را داشته باشد، بهتر است دغدغه فراریان و از کشور خارج شدگان را در سر داشته باشد».

داریوش قنبری در ادامه صحبت های خود گفت: «در حالی که دولت با سیاست های نادرست خود، سرمایه گذاران داخلی را از کشور فراری داده است، برگزاری همایشی تحت عنوان ایرانیان مقیم خارج از کشور با هدف جذب سرمایه گذار، در تناقض آشکار با سیاست های دولت است». سایت جوان آنلاین نیز درباره این همایش نوشته است: «برخی شنیده ها حاکی از آن است که علی رغم این که برخی از مدعوین قول مساعد برای انتقال سرمایه های خود به ایران داده بودند و لیکن تاکنون ریالی مبنی بر سرمایه گذاری این افراد در کشور گزارش نشده و تنها برخی از توانسته اند برخی از اموال توقیف شده خود را بازپس بگیرند». این سایت حامی احمدی نژاد می افزاید: «برخی افراد مساله دار و مخالف با مبانی نظام جمهوری اسلامی نیز در این همایش حضور دارند. در این زمینه گفته می شود پروازهایی که حامل مدعوین این همایش بوده اند به گونه ای تنظیم شده که تا آخرین لحظات امکان مشخص شدن هویت برخی از این میهمانان نباشد. گرچه در این زمینه گفته می شود که برخی از این پروازها نیز به صورت اختصاصی به ایران انجام می شود». سایت فردا، سایت نزدیک به احمد توکلی از نمایندگان اصول گرای مجلس نیز از جمع آوری بنرهای تبلیغاتی این همایش خبر داده و نوشته است: «تابوها و بنرهای تبلیغاتی و اطلاع رسانی دومین همایش بزرگ ایرانیان مقیم خارج از کشور توسط شهرداری از سطح شهر تهران جمع آوری شد».

خبرنگار خبرگزاری امنیتی فارس نیز که در محل برگزاری همایش حضور داشته در «حاشیه نگاری» از این همایش نوشته است: «مسئولان شورای عالی امور ایرانیان خارج از کشور گفته اند 1200 نفر از متخصصان علمی را به این همایش دعوت کرده اند اما گویا چیزی حدود 450 تا 500 نفر در این همایش شرکت کرده اند. 476 نفر از آمریکا، 210 نفر از انگلستان، 100 نفر از آلمان، 49 نفر از کانادا، 28 نفر از فرانسه و 15 نفر از کشور سوئد به این همایش که حدود 3 میلیارد تومان هزینه تبلیغاتی دربر داشته، دعوت شده اند». این خبرنگار خبرگزاری حامی دولت می افزاید: «می گویند از بین دعوت شدگان، عده ای سوابق سوء کیفری و سیاسی و حتا عضویت در فرق ضاله مثل بهابیت دارند. در بین اپوزیسیون های خارج کشور هم این شایعه قوت گرفته بود که دعوت شدگان برای ورود به تهران تضمین قضایی و امنیتی داشته اند که البته هیچ یک از مقامات امنیتی و قضایی کشور این خبر را تأیید یا تکذیب نکردند... بنا به همین گزارش، «هر کدام از مدعوین می توانستند 4 نفر را به هزینه دولت به همراه خود بیاورند. هتل استقلال و هتل آزادی برای اقامت این افراد در نظر گرفته شده است. دعوت شدگان به استان های اصفهان، فارس، خراسان رضوی، آذربایجان شرقی، بوشهر، اردبیل، گیلان و مازندران و هم چنین عسلویه سفر خواهند کرد؛ آن هم با هواپیماهای چارتر رزو شده. محمدرضا شجریان نیز برای اجرای موسیقی سنتی به این همایش دعوت شده بود که البته این دعوت را نپذیرفت».

معرکه گیری و جر و بحث بر سر همایش ایرانیان خارج کشور در صفوف اصول گرایان هم چنان ادامه دارد و حتا نظامیان نیز وارد معرکه شده اند.

در ادامه انتقاداتها و کشمکش های اصول گرایان نسبت به سخنان اسفندیار رحیم مشایی، رییس دفتر احمدی نژاد، حسن فیروز آبادی، رییس ستاد مشترک نیروهای مسلح ایران نیز وارد میدان شده است. او گفت، «اظهارات اخیر آقای مشایی درباره «مکتب ایرانی» جرم «علیه امنیت ملی» است و «ارکان نظام» را هدف قرار داده است.

اسفندیار رحیم مشایی، در مراسم اختتامیه همایش ایرانیان خارج کشور در ۱۴ مرداد ۸۹ گفته بود: «از مکتب اسلام دریافت های متنوعی وجود دارد اما دریافت ما از حقیقت ایران و حقیقت اسلام، مکتب ایران است و ما باید از این به بعد مکتب ایران را به دنیا معرفی کنیم».

این اظهارات به مذاق اصول گرایان خوش نیامد و بسیار از چهره های سرشناس اصول گرا چون محمد تقی مصباح یزدی، توکلی، حبیب الله عسگر اولادی مسلمان و تعداد دیگری از چهره های شاخص این جناح از این اظهارات انتقاد کردند.

در ادامه این انتقادات حسن فیروز آبادی، رییس ستاد مشترک نیروهای مسلح ایران، نیز با بیان این که مشخص نیست «شان» اسفندیار رحیم مشایی در قانون چیست گفت: «اظهارات اخیر اسفندیار رحیم مشایی «خنثی» کننده زحمات آیت الله خمینی و آیت الله علی خامنه ای است».

حسن فیروز آبادی گفته است: «این حرف های کوچکی نیست، نمی دانم چطوری کسی جرأت می کند و به خود این اختیار را دهد در حالی که هیچ حکم و حق قانونی ندارد این حرف ها را بزند، این ها جرم است» وی افزود که «اما این قبیل اظهارات را انحراف و جرم علیه امنیت ملی و حمله به ارکان نظام مقدس جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی می دانیم که دارد توسط یک شخصی به اسم مشایی زده می شود».

محمد تقی مصباح یزدی، عضو خبرگان رهبری و از مهم ترین حامیان دولت محمود احمدی نژاد در بین روحانیون، بدون نام بردن از رحیم اسفندیار مشایی گفته است: «کسانی که بی شرمانه مکتب ایران را به جای مکتب اسلام معرفی می کنند، خودی نبوده غیرخودی اند و باید حواس مان جمع باشد» حبیب الله عسگر اولادی، عضو شورای مرکزی حزب مؤتلفه اسلامی، گفته است: «شاید اگر کسانی بیابند مکتب ایرانی را مطرح کنند شاید آمریکا حاضر باشد بالاترین مبالغ را به این ها پرداخت کند و اگر کسانی مشهور به گرفتن شهریه از آن ها نباشند نوکر بی مزد و موجب هستند».

در واقع آش آن قدر شور و دهن سوز بوده که کیهان پرچ انتقاد به آن را به دست گرفت و در همین زمینه از مراکز اطلاعاتی امنیتی پرسیده است با چه «توصیه ای» از وظیفه قانونی خود چشم پوشی کرده اند. کیهان نوشته است: «در این همایش از برخی چهره های ایرانی و خارجی که مرتکب جرایم قابل پیگیری قضایی شده و به محض ورود بایستی بازداشت و تحت پیگرد قرار می گرفتند نیز دعوت شده است که معلوم نیست مراکز اطلاعاتی و امنیتی کشور چگونه و با کدام توصیه احتمالی از انجام وظیفه قانونی خود درباره آن ها سر باز زده اند؟»

شریعتمداری، به احمدی نژاد جایگاه دیگری داده و نوشته است آن چه در دومین همایش ایرانیان مقیم خارج از کشور می گذرد «دور از چشم رییس جمهوری محترم» بوده است. البته خود شریعتمداری بهتر می داند که همه این نمایش سیاسی - تبلیغی زیر نظر مستقیم دوستش احمدی نژاد، بوده است. مشائی دوستی دیرینه و نزدیک با احمدی نژاد دارد و فراتر از همه، دختر او عروس مشائی است که به همین دلیل نیز او ده ها شغل در دولت دارد. بنابراین، سخن رانی احمدی نژاد در بخش افتتاحیه و سخن رانی مشائی در بخش اول این همایش و هم چنین سخن رانی او در بخش اختتامیه آن، همگی نشان می دهند که این طرح در دولت و به ویژه توسط احمدی نژاد و مشائی طراحی و اجرا شده است و هدف اصلی نیز طرح مذاکره از موضع ضعف و درماندگی با دولت آمریکا و تضمین بقای حکومت است. اما یک فاکتور مهم در همه تحولات ایران، فاکتور مردم است که به خصوص در تظاهرات های میلیونی سال گذشته خود، اعلام کرده اند که این حکومت جانی را نمی خواهند.

البته گفته می شود که تعداد دعوت شوندگان از خارج کشور به این همایش، بیش تر از رقم اعلامی مسئولان دولتی بوده است که به این دعوت پاسخ منفی داده بودند. از جمله نامه زیر در رسانه ها منتشر شده است:

نامه جمعی از مدعوین این همایش

در این ارتباط، جمعی از تحصیل کردگان ایرانی مقیم خارج از کشور که به این همایش دعوت شده‌اند، طی نامه سرگشاده‌ای اعلام کرده‌اند که در این همایش شرکت نخواهند کرد و از همه دعوت شدگان درخواست کرده‌اند که به این دعوت پاسخ رد دهند.

متن نامه چنین است:

با سلام

ما نویسندگان این نامه جمعی از دوستان شما هستیم که هم چون شما به «دومین همایش بزرگ ایرانیان مقیم خارج» دعوت شده‌ایم. همان طور که از دعوت نامه همایش متوجه شده‌اید، این همایش توسط شورایی که خود را «شورای عالی امور ایرانیان خارج از کشور» می‌داند و با همیاری «بنیاد نخبگان» برگزار می‌شود. دغدغه‌های ناشی از برنامه این همایش و اطلاعات رسیده از برگزارکنندگان آن ما را متقاعد ساخته که این دعوت را نپذیریم. انگیزه ما از نوشتن این نامه در میان گذاشتن برخی از این دغدغه‌ها و درخواست از شماست که در این تصمیم با ما همراه باشید.

۱. برگزارکننده اصلی همایش زیر نظر مستقیم دفتر ریاست جمهوری اداره می‌شود و بنا به روند دیده شده از این گونه نهادها، این همایش هدفی جز تبلیغ و بزرگ‌سازی برنامه‌ها و سیاست‌های شخص احمدی نژاد و حلقه نزدیکانش نخواهد داشت. از سوی دیگر شناخت ما از مسئولین فعلی «بنیاد نخبگان» جایی برای اعتماد باقی نمی‌گذارد. مسئولین فعلی این بنیاد (که در یک سال اخیر و با دلایلی نه چندان نامربوط به وقایع یک سال گذشته اخیر کشور جایگزین مسئولین قبلی شده‌اند) از هر فرصتی استفاده کرده‌اند که حمایت خود را از شخص احمدی نژاد ابراز کرده و عملکرد یک سال اخیر نیروهای فعال در سرکوب اعتراضات عمومی و شخصیت‌های منتقد را توجیه و گناه تقدیر نمایند.

۲. دریافت ما از برنامه این همایش و نحوه برگزاری آن این است که محور اصلی این برنامه سخن رانی و حضور احمدی نژاد است و به نظر می‌رسد که بیش‌تر از هر چیز قرار بر این است که این همایش نمایشی تبلیغاتی جهت القای مقبولیت ایشان در بین به اصطلاح «نخبگان» باشد.

۳. برگزارکنندگان همایش هیچ تضمینی برای آن که مهمانان بتوانند اعتراضات و نگرانی‌های خود را مطرح سازند نداده‌اند. هیچ بخشی از برنامه به این عنوان اختصاص ندارد و نگاهی به برنامه‌های مشابه که با حضور احمدی نژاد انجام گرفته نیز نشانه‌ای از وجود چنین امکانی نمی‌دهد و امیدی نیست که شرکت کنندگان بتوانند از این فرصت هیچ استفاده‌ای برای بیان نگرانی‌ها و انتقادات خود بنمایند.

۴. فهرست دعوت شدگان برای ما ابهامات زیادی ایجاد کرده که تا کنون پاسخ داده نشده‌اند. بسیاری از دوستانی که از منظر مدارج تخصصی، دانشگاهی و علمی از برترین افراد نسل ما محسوب می‌شوند و این فهرست به طور معناداری نام ایشان را شامل نمی‌شود. میدانیم که بنیاد نخبگان نشانی الکترونیکی این دوستان را در اختیار داشته و این نام‌ها نمی‌توانسته‌اند از قلم افتاده باشند. متأسفانه در بعضی موارد این شائبه وجود دارد که مواضع سیاسی این دوستان و یا حتی تصورات برگزارکنندگان از مواضع سیاسی این دوستان دلیل از قلم افتادن نام ایشان بوده است.

۵. برگزارکنندگان قبول کرده‌اند که هزینه رفت و آمد دعوت شدگان و اقامت ایشان در طول زمان همایش را پرداخت کنند. این در شرایطی است که بودجه بسیار محدود و نامتناسبی برای سفرهای کاری اساتید، محققین و دانش‌جویان داخل کشور موجود است و بیشتر همایش‌های علمی کشور از نبود منابع مالی رنج می‌برند، تا آن‌جا که از شرکت کنندگان می‌خواهند تا حد ممکن هزینه مسافرت و اقامت‌شان را از منابع دیگر تامین کنند. از نگاه ما وقتی همه شواهد بر بحران اقتصادی کشور گواهی می‌دهد، مصرف چنین حجمی از سرمایه کشور و برای یک همایش تبلیغاتی اگر غیر اخلاقی نباشد، کج سلیقه‌گی است.

۶. به نظر ما وقایع یک سال گذشته و برخورد خشن، نامتناسب و غیرانسانی حکومت و نهادهای نظامی و غیرنظامی در برخورد با معترضین، منتقدین و گاه مردم بی‌گناه کوچک و خیابان، همه امور کشور را تحت تأثیر قرار داده است. پنهان نمی‌کنیم که نگاه کنونی ما به نهادهایی که به طور مستقیم در این فجایع شریک بوده‌اند و یا از آن حمایت کرده‌اند همراه با ظن و بدبینی است. تا به امروز عملکرد این نهادها نشان از آن دارد که تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌هایشان بیش از هر چیز در راستای سوء استفاده‌های سیاسی و سرپوش گذاشتن بر جنایات حکومت است. سؤالی که بیش از هر چیز ذهن ما را مشغول می‌کند این است که آیا می‌توان پس از ضرب و جرح دانش‌جویان در خواب‌گاه‌ها و دانشگاه‌های تهران، اصفهان، تبریز و شهرهای دیگر کشور و عدم محاکمه عوامل این جنایات، به صداقت مسئولین حکومتی در توجه به «نخبگان» باور داشت؟ شورا و بنیادی که نگران هزینه‌های مالی ما برای شرکت در این همایش هستند،

برای آزادی نخبگان و دوستان بی گناه ما که هنوز به طور غیر قانونی در بازداشتگاه های کشور هستند هم هیچ تلاشی داشته اند؟
جمعی از به اصطلاح «نخبگان» مدعو به همایش

هویت چند نفر از شرکت کنندگان این همایش منتشر شده است که اسامی برخی از شرکت کنندگان به شرح زیر است:

دکتر نادر حقیقی، پرتغال - لیسبون دبیرکل شورای بازرگانی پرتغال و ایران؛ جراحی دکتر نادر باقرزاده، آمریکا کالیفرنیا استاد کالیفرنیا، ارواین؛ کامپیوتر دکتر فلورا پیوندی، ایتالیا - میلان، استاد دانشگاه میلان؛ پزشکی دکتر بهرام هاتفی، آمریکا - کالیفرنیا، دانشگاه ایالتی کالیفرنیا؛ حسابداری دکتر هوشنگ امیراحمدی، آمریکا - نیوجرسی؛ سیاست خانم نجفی، انگلستان، رضا دیلمی، نماینده پارلمان سوئد از حزب حاکم مدرات؛ حقوق اسماعیل تجلی، گرجستان؛ تاجر دکتر شیدا رستگاری، آمریکا؛ استاد دکتر میرهمایون شیرانی، آمریکا؛ پزشک فراهانی، آمریکا - دانشگاه تگزاس؛ وکیل حقوق خانم دکتر شاهین، انگلیس؛ جراح مغز و اعصاب دکتر سمیعی، آلمان و ...

ناگفته نماند که شرکت برخی از این افراد در همایش تهران، به ویژه نمایندگان پارلمان ها، احتمالاً مغایر با تحریم هایی است که شورای امنیت سازمان ملل و اتحادیه اروپا علیه حکومت اسلامی به کار بسته است. برای مثال، رضا دیلمی از اعضای حزب حاکم مدرات در پارلمان سوئد، در این همایش شرکت کرده بود. حزب مدرات که فعلاً با سه حزب بورژوازی دیگر قدرت را در دست دارد تاکنون روابط بسیار حسنه ای با حکومت اسلامی داشته و به همین دلیل عناصر اطلاعاتی - امنیتی و مقامات حکومت اسلامی در پوشش دیپلماتیک به راحتی به این کشور سفر کرده و در جلسات و مهمانی های دولت سوئد هم شرکت می کنند. رضا دیلمی، در مقطع انتخابات پارلمانی چهار سال پیش سوئد نیز به ایران سفر کرده و در نشست اتاق اصناف حکومت اسلامی در شمال ایران شرکت کرده بود. در آن موقع، من طی یادداشتی خبر شرکت او در اتاق اصناف حکومت اسلامی و حتا تصویر او در این نشست را منتشر کرده بودم. او قبل از این که وارد پارلمان سوئد شود ظاهراً مدافع پناهندگان ایرانی بود. سپس با هم فکرا خود شرکت های تجاری در سوئد تاسیس کردند و با حکومت اسلامی ایران وارد بده و بستان سیاسی و داد و ستد تجاری شدند. اکنون اعتراضات زیادی به شرکت این نماینده پارلمان سوئد در همایش احمدی نژاد شده است. باید دید که عکس العمل دولت سوئد در این مورد چگونه خواهد بود؟ آن هم در شرایطی که به زودی در این کشور انتخابات جدید پارلمانی برگزار خواهد شد این مساله یک رسوایی سیاسی بزرگی برای این حزب محسوب می شود ضروری است که ایرانیان آزادی خواه و چپ در مورد حضور چنین افرادی در پارلمان سوئد که عامل مستقیم حکومت اسلامی هستند، توجه کنند. چنین افرادی هنگامی که ایرانیان علیه حکومت اسلامی تظاهرات می کنند دیده نمی شوند اما یک دفعه در پشت سر احمدی نژاد دست به سینه می ایستند؟! بر خلاف دیلمی، نمایندگانی چون آمنه کاکاباوه از حزب چپ سوئد، در چهار سال گذشته در اغلب اعتراضات ایرانیان آزادی خواه و چپ علیه حکومت اسلامی حضور داشته و در دفاع از مبارزات بر حق کارگران، زنان، دانش جویان و نویسندگان و روزنامه نگاران ایرانی و همبستگی با آنان، قاطعانه علیه حکومت اسلامی نیز سخن رانی کرده است. علاوه بر این، آمنه همواره از دولت و وزیر امور خارجه سوئد، توضیح خواسته که چرا حکومت اسلامی را به دلیل نقض حقوق بشر و جنایات بی شمارش محکوم نمی کنند. در هر صورت در این جا بحث بر سر ماهیت پارلمان سوئد و دیگر پارلمان های بورژوازی نیست، بلکه هشدار به ایرانیان آزادی خواه ساکن سوئد است که اگر در انتخابات پارلمانی سوئد شرکت می کنند نسبت به احزاب و نمایندگان آن ها رای می دهند حساس باشند.

بدین ترتیب، همایش یا نمایش احمدی نژاد در تهران، با صرف میلیارها تومان برگزار شد. مبالغی که قاعدتاً باید به گوشه کوچکی از حقوق معوقه کارگران، کودکان کار و غیره اختصاص داده شود به این شکل صرف هزینه سفر تعدادی از سرمایه داران و طرفداران حکومت از خارج کشور شده است. شرکت کنندگان فارغ از آن چه که در ایران می گذرد با آسودگی به سفر تفریحی یک هفته ای رفتند تا پس از گردش در هشت استان به کشورهای محل اقامت خود برگردند و بگویند که حکومت اسلامی، به خصوص در دوران ریاست جمهوری احمدی نژاد چه پیشرفت های چشم گیری داشته تا جایی که خواننده پاپ ایرانی

با ده دختر جوان برای آن ها آواز خوانی کرد؛ آن دیگری به شاهنامه خوانی پرداخت؛ خانم های حاضر در همایش روسری های خود را روی شانه هایشان انداختند بدون این که نگران شوند مامورین حکومت اسلامی آن ها را بازداشت کنند و به عنوان «بدحجاب» جریمه و زندانی نمایند؛ آن ها برای رییس جمهور و وزیر امور خارجه و رییس دفتر ریاست جمهوری و غیره که برای آن ها سخن رانی کردند صلوات فرستادند؛ کف زدند و شادمانی کردند!

احمدی نژاد، در بخشی از سخن رانی خود در این همایش، به ریشه یابی علل فقر در جهان پرداخت و گفت: «چرا آن قدر گرسنه در جهان وجود دارد آیا جهان پول و ثروت کم دارد در حالی که چنین نیست و ما شاهدیم هر جای دنیا زحمتی کشیده می شود بخشی به صورت خودکار به جیب سرمایه داران کلان جهان می رود در حالی که نباید این گونه باشد و ما می گوئیم باید به سمت عدالت برویم و تئوری تنازع بقاء تئوری حیوانی است.»

این در حالی است که همین حکومت حامی سرمایه و سرمایه داران است و هر جا هم بخش های مختلف کارگری از کارگران صنایع تا معلمان و پرستاران برای گرفتن مطالبات خود کارگران و حنا برای گرفتن دستمزدهای معوقه شان دست به اعتصاب و اعتراض زده اند با یورش وحشیانه نیروهای حکومتی روبرو شده اند. اکنون اکثریت جامعه ایران در فقر و فلاکت اقتصادی به سر می برند احمدی نژاد بی شرمانه و وقیحانه مدعی حل فقر در جهان را دارد؟ دولت خود او تنها در سال 85 بیش از یک میلیارد دلار از اموال عمومی مردم را «گم!» کرده است و معلوم نیست دولت او، 400 میلیارد دلار درآمد کشور در طی 5 سال گذشته چه کرده است؟ در چنین شرایطی، آیا یکی از همین متخصصین و سیاستمداران پارلمان های اروپایی که انگشت به دهان پای صحبت او نشسته بودند ذره ای عذاب وجدان نکشیدند و از او سؤال نکردند که پس چرا در ایرانی که بر روی دریای از گاز و نفت و معادن دیگر خوابیده و سرشار از ثروت های بی کران است این همه فقر و بی کاری و فحشاء و اعتیاد و... غوغا می کند؟

سران حکومت اسلامی، به ویژه احمد نژاد، همواره به هذیان گویی ها و دروغ های خود در زمینه های اقتصادی و سیاسی ادامه می دهند.

روز چهارشنبه، 13 مرداد ماه 1389 برابر با 4 آگوست 2010، احمدی نژاد، درباره محاصره اقتصادی ایران گفت: «خدا را شکر ما آرزوی این روز را داشتیم.»

صدا و سیمای حکومت اسلامی از سخنان احمدی نژاد در همدان، چنین گزارش داد: «می گویند ما به شما تجهیزات نفت و گاز نمی دهیم، خدا را شکر ما آرزوی این روز را داشتیم. ما به آن ها احتیاجی نداریم و خودمان می سازیم.»

احمدی نژاد خطاب به قدرت های غربی گفت: «روزی که شما اعلام کنید قطعات نفت و گاز را نمی فروشید و در این صنعت سرمایه گذاری نمی کنید، تازه ما نفس راحت خواهیم کشید. شما دیگر در برابر اراده ملت ایران عددی نیستید که بخواهید عرض اندام کنید.»

احمدی نژاد، افزود: «بازنده شماها هستید. به اوباما گفتند اگر در مقابل ملت ایران بروی، صددرصد بازنده ای. اگر نیروی سه هیچ باخته ای، و اگر بروی شش هیچ باخته ای.» احمدی نژاد، ادعا کرد: «البته دوستان وی (اوباما) به ما پیغام می دهند که او تحت فشار است.»

معلوم نیست این تجهیزات پیچیده چگونه خودشان خواهند ساخت؟ چرا تاکنون آن ها را نساخته اند؟

حسن قشقایی، سخن گوی سابق دولت و معاون وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی در باره مهاجرت ایرانیان از کشور ادعا کرده است: «هرکشوری که در موقعیت بری و بحری مانند ایران قرار داشته باشد، ساکنان آن کشور تمایل به مهاجرت دارند، در واقع این موضوع نشان دهنده بالندگی یک کشور است.»؟! وی در ادامه سخنان خود با اشاره به همایش ایرانیان خارج کشور نیز گفت: «در واقع ورود مغزها به ایران بیش تر از خروج مغزهاست. وی بدون اشاره به میلیون ها ایرانی که در کشورهای پنج قاره جهان پراکنده شده اند گفت: ایرانیان خارج از کشور خود به خود در داخل ایران جذب هستند و نیازی به انجام کار اضافی برای جذب آنان نیست... وی ادعا کرد «تنها سه تا پنج در صد ایرانیان خارج از کشور اپوزیسیون محسوب می شوند.»

این قبیل اظهار نظرهای مقامات حکومت اسلامی، به روشنی نشان می دهند که این ها یک مشت دیوانه زنجیری و دزد و دروغگو و آدم کش هستند که به جان و مال مردم ایران مانند هیولا چنگ انداخته اند.

در این میان آیا برگزیدگانی که یک هفته مهمان حکومت اسلامی بودند در مورد زندانیان و شکنجه ها و اعدام ها و سرکوب ها و هم چنین فقر و فلاکت اقتصادی در این کشور چیزی نخواندند و نشنیدند، از جمله: در رابطه با سرکوب سیستماتیک زنان؛

کودکان کار و خیابانی در ایران. کودکانی که بر سر چهارراه ها شیشه های ماشین ها را تمیز می کنند و هر لحظه در معرض خطر هستند؛ به گل فروشی، آدامس فروشی، فال فروشی و غیره مشغولند تا بلکه درآمد ناچیزی برای کمک به خانواده خود به دست آورند؛

از اعدام فرزادها و شیرین ها و وضعیت غیرانسانی هزاران زندانی سیاسی و تجمع مادران زندانیان سیاسی در مقابل زندان اوین و گورستان خاوران چیزی نشنیدید؟

آیا از سرکوب کارگران، دانش جویان، روزنامه نگاران و روشنفکران و به طور کلی سانسور و اختناق در ایران خبری نشنیدید؟

آیا در مورد قوانین وحشیانه سنگسار در ایران خبر ندارند؟ آیا خبر حکم سنگسار سکینه محمدی آشتیانی که در جهان طنین انداز شده است را نخوانده اند؟

آیا تاکنون اسم منصور اسانلو و محمود صالحی را شنیده اند و از کشتار کارگران اعتصابی خاتون آباد کرمان توسط نیروهای انتظامی - امنیتی حکومت اسلامی خبر دارند؟

آیا می دانند که صدها هزار کارگر، حتا با مبارزه خود نیز هنوز نتوانسته اند دست مردهای معوقه خود را بگیرند؟

آیا این «برگزیدگان» حکومت اسلامی و ارگان های امنیتی آن، که در کشورهای غربی تحصیل کرده و کار می کنند تاکنون چیزی درباره دزدی های سران حکومت اسلامی چیزی نشنیده اند؟ در مورد ترورهای داخل و خارج کشور چطور؟

آیا شما خبر کشتارها سال های 60 تا 62 به ویژه قتل عام چندین هزار زندانی سیاسی در تابستان 67 را نشنیده اید؟

شما آقایان و خانم های شرکت کننده در همایش اخیر تهران، آیا تاکنون خبری از قتل های موسوم به «قتل های زنجیره ای» را نخوانده اید؟

آیا شما خبر یورش شبانه به خواب گاه دانش جویان دانشگاه تهران در 18 تیر 78 را نشنیده اید؟ آیا اسم کهریزک به گوش شما خورده است؟

آیا این تحصیل کردگان، در مورد اعتراضات میلیونی مردم ایران و متعاقب آن سرکوب ها و ترورها و اعدام های وحشیانه سال 88 فیلم و خبری نخوانده و نشنیده اند؟

از وضعیت زندانیان سیاسی مخالف حکومت مثالی نمی آورم. آن ها بر اساس قوانین حکومت اسلامی، صرفا به دلیل مخالفت شان با این حکومت، محکوم به شکنجه و زندان های درازمدت و اعدام هستند. اما در این مورد از خودی های آن ها مثالی می آورم که برای این آقایان و خانم های شیک پوش پولدار و تحصیل کرده و نمایندگان مجلس سوئد و انگلستان و ... که از کشورهای اروپایی و اسکانداویوی و آمریکا، در مهمانی حکومت اسلامی آدم کش و تروریست و مافیایی در تهران شرکت داشتند قابل هضم باشد. برای مثال، حمزه کرمی، پس از ۱۴ ماه زندان، به دلیل شدت شکنجه در بخش مراقبت های ویژه بیمارستان طالبانی بستری شده و در حالت اغما به سر می برد. حمزه کرمی در زمان ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی، مدیرکل سیاسی دفتر وی بوده و از خرداد سال ۸۸ در زندان به سر می برد. به نوشته «جرس»، بازجویان بارها سر این زندانی سیاسی را برای اعتراف گیری در توالی فرنگی فرو کرده اند.

حمزه کرمی طی نامه ای ۵ صفحه ای به آیت الله خامنه ای، از شکنجه خود و تلاش مقامات امنیتی برای اعتراف گیری پرده برداشته است. بازجویان از کرمی خواسته اند تا به روابط نامشروع با یکی از بستگان درجه یک رهبران جنبش سبز و دو نفر از بستگان یک مقام عالی دیگر اقرار کند. وی پس از آن که سرش را ۲۰ مرتبه در کاسه توالی فرنگی فرو می کنند، تن به اعتراف می دهد و آن چه می خواهند می نویسد و امضاء می کند.

سایت های خبری نوشته اند که نامه ۵ صفحه ای حمزه کرمی توسط هاشمی رفسنجانی به دست آیت الله خامنه ای رسیده و وی رسیدگی به شکایت کرمی را به غلامحسین محسنی اژه ای، دادستان کل کشور سپرده است. حمزه کرمی «پیش از تنظیم گزارش نهایی محسنی اژه ای، به دلیل شدت شکنجه ها و تالمات بعدی، به حالت اغما فرو رفته و به سیسیبوی منتقل شده است».

این فقط یک نمونه از رفتارهای شکنجه گران حکومت اسلامی با زندانیان است. شکنجه ها و رفتارهای

شدیدتر و هولناک تر از این سی و یک سال است که در زندان های حکومت اسلامی علیه زندانیان به کار گرفته شده و هنوز هم با شدت بیش تری در جریان است .

در واقع می توان گفت که حکومت اسلامی از برگزاری چنین همایش هایی، چهار هدف عمده را تعقیب می کرد:

- 1- تبلیغات سیاسی در مقابل رقبای سیاسی خود؛
- 2- رساندن پیام خود به گوش اوباما از کانال های مختلف برای مذاکره؛
- 3- بی تاثیر نشان دادن مبارزات اپوزیسیون سرنگونی طلب حکومت اسلامی در خارج کشور؛
- 4- به وجود آوردن شبکه ای از دلایان سیاسی و اقتصادی در سطح جهانی با هدف تامین نیاز های خود از راه های قاچاق به دلیل محاصره اقتصادی .

حکومت اسلامی، از این «برگزیدگان و متخصصان» به خوبی پذیرایی کرد. بنا به گفته سازمان دهندگان این همایش، دولت برای انتخاب میهمانانش 71 جلسه تشکیل داده بود، غیر از صرف هزینه های کلان، هدایا و بخشش های زیادی نیز در کار بوده است. هزینه هایی که یکی از آن ها بخشش یک واحد مسکونی در اصفهان به «ریچار فرای» به نام مردم، از سوی احمدی نژاد بود تا هر زمانی که علاقه داشت در آن جا زندگی کند. در حالی که هنوز هم بسیاری از فعالین سیاسی، فرهنگی و اجتماعی کشور به دلیل پیگیریها و تهدیدهای حکومت اسلامی، مجبور به ترک کشور می شوند.

به گزارش ایلنا، اسفندیار رحیم مشایی هفته گذشته در حاشیه نشست خبری همایش ایرانیان خارج از کشور، با تایید اخبار رسانه ها مبنی بر این که «به چهره های سرشناس مدعو پنجاه تا صد میلیون تومان پرداخت شده»، گفته بود: «پنجاه میلیون تومان برای چهره های شناخته شده ای به این همایش دعوت شده اند معادل پنجاه هزار دلار است که رقم ناچیزی محسوب می شود؛ طرح این موضوعات تنها برای خراب کردن چهره و وجهه مدعوین همایش بزرگ ایرانیان خارج از کشور است.»

بسیاری از این هایی که در سفرهای احمدی نژاد و دیگر مقامات حکومت اسلامی به خارج کشور، به میهمانی سفارت خانه ها و کنسول گری ها می روند در همایش تهران نیز شرکت کرده بودند. این ها همواره در خارج کشور، جنایات حکومت اسلامی را ماسمالی و تئوریزه می کنند. گاه و بی گاه به ویژه به اپوزیسیون سرنگونی طلب و چپ حکومت اسلامی در رسانه ها به عنوان کارشناس، فعال حقوق بشر، مفسر سیاسی، تحلیل گر استراتژیک مسایل ایران، اقتصاددان، حقوق دان و غیره حمله می کنند.

باین ترتیب، این متخصصان و نخبه گان پیشاپیش مزد دلالی خود را از حکومت اسلامی با نشستن بر سر سفره خونین گرفتند بدون این که به کم ترین عذاب وجدان انسانی دچار شوند. آن ها نه در مورد سرکوب و کشتار در خیابان ها، نه تجاوز به زندانیان و کشتن آن ها در زیر شکنجه، اعدام گروهی زندانیان و حتا کودکان کار و خیابانی، احکام سنگسار، سرکوب سیستماتیک زنان و نه فقر و قلاکت اقتصادی که دامن اکثریت جامعه ایران را گرفته است و عامل اصلی همه این مصائب و بدبختی ها نیز حکومت اسلامی است سخنی نگفتند. و فراتر از آن، وعده و وعیدهایی که به این «متخصصان و نخبه گان برگزیده» خارج کشور داده شده قرار است آن ها در هر جا در رسانه ها، در پارلمان ها، کنفرانس ها، جلسات و غیره مستقیم و غیرمستقیم مبلغ حکومت اسلامی باشند و نه دغدغه های مردم و جنایات بی شمار حکومت اسلامی، بلکه دغدغه های خامنه ای و احمدی نژاد درباره «اداره جهان؟» و رابطه آن با «امام زمان؟!» را به گوش جهانیان برسانند؟! این وظیفه «شرعی» را هم باید به تخصص جدید دکترها و حقوق دانان و اقتصاددانان و سیاست مدارانی که در همایش احمد نژاد شرکت کردند اضافه کرد. شاید این هم تمرین دموکراسی و گفتمان تازه متخصصان ما است !

سه شنبه نوزدهم مرداد 1389 - دهم اوت 2010

بهرام رحمانی

bamdadpress@ownit.nu